

### گزارش

### چالش‌های پیش روی آنگ سان‌سوکی

رهبر مخالفان و حامی دموکراسی در میانمار در حالی اخیراً آزاد شد که حرف و حدیث‌های زیادی در مورد آینده فعالیت وی در این کشور مطرح است.

هفته‌نامه اکونومیست در گزارشی در مورد آزادی آنگ سان‌سوکی رهبر مخالفان در میانمار نوشت: بار دیگر آنگ سان‌سوکی رهبر مخالفان در میانمار به صورت «لفظ» آزاد شده است. وی پس از آزادی در جمع حامیانش در یانگون حاضر شد و برای آنها سخنرانی کرد. به نوعی می‌توان گفت آزادی آنگ سان‌سوکی در گذشته گول‌زننده بوده است، چون پس از مدتی او مجدداً دستگیر شده بود. به گفته برخی کارشناسان، آزادی آنگ سان‌سوکی از حبس خانگی را می‌توان به نوعی آزادی او از یک زندان کوچک‌تر به یک زندان بزرگ‌تر قلمداد کرد. چون خونتسای میانمار مطمئناً محدودیت‌هایی در فعالیت‌های او ایجاد خواهد کرد. آنگ سان‌سوکی در حالی آزاد شده است که با شرایط سیاسی متفاوتی نسبت به گذشته در میانمار مواجه است. چندی پیش در میانمار انتخابات عمومی برگزار شد و این انتخابات در ۲۰ سال اخیر در این کشور بی‌سابقه بوده است. البته می‌توان گفت خونتسای میانمار این انتخابات را با هدف جلوگیری از واگذاری مسوولیت‌ها به غیرنظامیان و همچنین تثبیت قدرت نظامی خود برگزار کرد. در این انتخابات احزاب حامی خونتای میانمار توانستند پیروزی چشمگیری به دست آورند. حال این سوال مطرح است که آنگ سان‌سوکی چگونه با این شرایط برخورد خواهد کرد؟ آیا او همچون یک سیاستمدار عمل می‌کند یا یک مخالف سرسخت؟ به گفته وکیل آنگ سان‌سوکی، وی هیچ محدودیتی در فعالیت‌هایش ندارد. اما فعالیت حزب او (اتحادیه ملی برای دموکراسی) به طور رسمی متوقف شده و خونتای میانمار پیشتر هرگز فعالیت‌های سیاسی این حزب را تحمل نمی‌کرد. آنگ سان‌سوکی که قبلاً جایزه صلح نوبل را در سال ۱۹۹۱ به دست آورده است، علاوه بر محبوبیت داخلی با حمایت‌های بین‌المللی نیز روبه‌رو است و این نگرانی وجود دارد که محبوبیت وی باعث بروز چالش جدی برای خونتای میانمار شود. به گزارش ایسنا، آنگ سان‌سوکی حتی در زمانی که در حبس خانگی به سر می‌برد، کاریزما و اصول هدایت‌کننده حزیش باعث پیروزی چشمگیر این حزب در انتخابات سال ۱۹۹۰ شد اما خونتای میانمار را در انتخاباتی را نپذیرفت. به گفته برخی تحلیلگران، به نظر می‌رسد با برگزاری این انتخابات در میانمار، خونتای این کشور مستحکم‌تر از گذشته قدرت را به دست گرفته و بعد است آنگ سان‌سوکی به رغم اعلام درخواست برای مذاکرات مستقیم با خونتای میانمار، با آنها سازش کند. آنگ سان‌سوکی در انتخابات اخیر نیز به حزبش اعلام کرد انتخابات را تحریم کند و این موضوع باعث شد برخی گروه‌ها نیز در انتخابات شرکت نکنند. این سومین مرتبه است که آنگ سان‌سوکی از سال ۱۹۸۹ (اولین باری که دستگیر شد) آزاد شده است. در سال ۱۹۹۵ و به دنبال



آزادی وی امیدهای زیادی برای فعالیت‌های گسترده آنگ سان‌سوکی وجود داشت، اما ایسن امیدها بعد از مدتی به ناامیدی منجر شد. خونتای میانمار تلاش‌های وی را برای سفر به نقاط مختلف این کشور نیز تحمل نخواهد کرد. در سال ۲۰۰۰ آنگ سان‌سوکی برای ۱۹ ماه زندانی شد و در دسامبر ۲۰۰۲ آزاد و مجدداً در سال ۲۰۰۳ دستگیر شد.

روزنامه گالف‌نیوز در گزارشی در مورد شرایط آینده آنگ سان‌سوکی در میانمار نوشت: آزاد شدن این دارنده جایزه صلح نوبل به معنای نشان دادن حسن نیت از سوی ژنرال‌های خونتای میانمار محسوب نمی‌شود و این ممکن است خطراتی در پی داشته باشد. آزادی رهبر مخالفان در میانمار بی‌شک امیدها و انتظاراتی را به همراه داشته است. او فقط رهبر حزیش نیست بلکه در میانمار از او به عنوان رهبر ملی یاد می‌کنند. در زمان حبس خانگی وی منتقدان در داخل و خارج از میانمار در محافل خصوصی و عمومی آشکارا در مورد محبوبیت آنگ سان‌سوکی مطالبی را مطرح کرده بودند و برخی از آنها معتقد بودند اکثریت مردم میانمار از آنگ سان‌سوکی حمایت نمی‌کنند، اما پس از آزادی او مشخص شد این تحلیلگران اشتباه می‌کنند. «آندرو هین» سفیر انگلیس در میانمار گفت: تمام شواهد و قرائن نشان می‌دهد خونتای میانمار از محبوبیت آنگ سان‌سوکی نگران است. پس از آزادی آنگ سان‌سوکی، بسیاری از شهروندان میانماری به ویژه نسل‌های جوان که هرگز او را پیشتر ندیده بودند، به سمت مقر حزب او حرکت کردند تا حمایتشان را از آنگ سان‌سوکی اعلام کنند. سوال دیگری که اکنون مطرح است، این است که آنگ سان‌سوکی چگونه می‌خواهد با چالش‌های پیش رویش و همچنین چشم‌انداز سیاسی جدید در میانمار فعالیت‌های خود را رو به جلو پیش ببرد. مطمئناً چالش‌های سیاسی که آنگ سان‌سوکی اکنون با آن مواجه است، بسیار متفاوت از چالش‌های سال‌های گذشته پس از آزادی او است. خونتای میانمار با برگزاری انتخابات عمومی، مطمئناً توجهی برای ادامه فعالیت‌های خود دارد و خود را با برگزاری این انتخابات دولتی مشروع می‌داند. این رژیم دولت جدید و پارلمان جدید تشکیل خواهد داد که آنگ سان‌سوکی در آن حضور ندارد. مقامات نظامی میانمار با آزاد کردن آنگ سان‌سوکی، این‌خطر را پذیرفتند اما معتقدند چون کنترل اوضاع را بر عهده دارند، آزادی آنگ سان‌سوکی تاثیری در فعالیت‌های آنها ندارد. گفته می‌شود آنگ سان‌سوکی به درخواست‌های خود برای مذاکرات سیاسی با خونتای میانمار و بر درخواست برای آزادی هر چه سریع‌تر دو هزار زندانی سیاسی در این کشور ادامه خواهد داد.

وقتی مردم خواب بودند، مردی تا صبح در دفتر کارش در مقر استان رام‌الله کارش را

ادامه می‌داد (این مقر فرماندهی در دوران استعمار انگلیسی در رام‌الله بنا شده است). او رئیس فقید یاسر عرفات (ابوعمار) رئیس سازمان آزادبخش فلسطین بود. عماد ابوزکی ۴۷ساله محافظ شخصی رئیس فقید که از سال ۱۹۸۸ تا فوت او در بیمارستان نظامی پرسی‌پاریس در ۱۱نوامبر ۲۰۰۴ همراه او بوده، می‌گوید عرفات «کم‌خواب و پرکار بود». او در مصاحبه اختصاصی با الحیات افزود: وی پس از نماز صبح برای خواب آماده می‌شد و بین ساعت ۸ تا ۹ صبح بیدار می‌شد دوباره کارش را شروع می‌کرد. پس از ناهار حدود یک تا دو ساعت می‌خوابید و بعد از آن تا صبح کار می‌کرد.

به گفته عماد، در دوران محاصره که از سال ۲۰۰۲ تا هنگام وفاتش در سال ۲۰۰۴ طول کشید، عرفات از میهمانان خود در حالی که اسلحه تیربار از نوع اشتایر امریکایی در دفترش بود و کلت شخصی‌اش از نوع اسمیت ۳۸ را به کمربندش بسته بود، استقبال می‌کرد.

---

– عرفات اوقات فراغتش را چگونه می‌گذراند؟ او اوقات فراغتی نداشت و وقتش کاملاً پر بود. روزانه نامه‌های پستی فراوانی داشت. در ساعت‌های اولیه صبح پس از آنکه کارش را تمام می‌کرد به محافظان سر می‌زد و صحبت می‌کرد، از تجربه‌هایش در انجمن دانشجویی قاهره و فعالیتش در کویت سخن می‌گفت و گاهی چند بیت از اشعار قدیمی می‌خواند. در آخر شب و صبح زود مانند فرزندش با ما رفتار می‌کرد اما در روز تحت نظام

شدید کاری بودیم.

– شما محافظان در اتاق مشرف به اتاق خواب او می‌خوابیدید. لوازم اتاق خواب او چه بود و وقتش را چگونه در آنجا می‌گذراند؟ اتاق رئیس فقید یاسر عرفات، اتاق محقری بود، تنها شامل یک زیرانداز، کمد لباس، صندلی، کتابخانه کوچک، یک سجاده نماز و قرآن بود. رئیس قبل از خواب قرآن می‌خواند و سپس برای خواب آماده می‌شد. او تلویزیون تماشا نمی‌کرد. یک بار در اتاقش تلویزیون گذاشتیم اما از آن خوشش نیامد و پس از چند روز از ما خواست آن را از اتاقش بیرون ببریم. ترجیح می‌داد اخبار را از نامه‌های خبری که دائماً از دفتر به دستش می‌رسید، مطالعه کند. – لباس عرفات یونیفورم نظامی بود، چه تعداد یونیفورم و چه تعداد جفیه داشت ؟ ابوعمار در دنیا زاهد بود. فقط یونیفورم نظامی می‌پوشید و هنگامی که فوت کرد تنها دو دست از

## جهان

یاسر عرفات از نگاه محافظ شخصی‌اش

# دو دست لباس و سه چفیه

ترجمه: بهمن بهساز



آنها و سه چفیه داشت. در سال‌های آخر محاصره یونیفورم‌هایش کهنه شده بود اما آنها را تعویض نکرد. وقتی پاره می‌شدند ما آنها را برایش می‌دوختیم و گاهی خودش این کار را می‌کرد. قبل از محاصره لباس‌هایش را به لباسشویی خارج مقر می‌فرستادیم ولی پس از محاصره خودمان با دست آن را می‌شستیم.

– از سخت‌ترین لحظات در زندگی ابوعمار برای ما بگویید.

سخت‌ترین لحظات هنگام سقوط هواپیما در لیبی بود. وضعیت هوا خیلی بد بود و توفان‌های شنی متوقف نمی‌شدند. هواپیما می‌باید در فرودگاهی در مرزهای لیبی– سودان برای سوختگیری فرود می‌آمد اما به خاطر توفان‌های شنی این کار مقدور نبود، پس به فرودگاه دیگری واقع در مرزهای لیبی و چاد حرکت کردیم اما قبل از رسیدن سوخت تمام شد. خلبان‌ها به فاصله حدود ۷۰ مایل از فرودگاه اقدام به فرود اضطراری در

صحرا کردند. رئیس در قسمت عقب هواپیما بود. من نزدیک در اضطراری نشسته بودم و وظیفه داشتم برای نجات رئیس فوراً آن را باز کنم اما وقتی هواپیما به زمین کوبیده شد من پرت شدم و رئیس با صندلی‌اش به خارج هواپیما افتاد. رئیس را روی صندلی‌اش در بیرون هواپیما پیدا کردیم، او را ۱۰ متر عقب‌تر بردیم و شروع به خاموش کردن آتش کردیم که در هواپیما شعله گرفته بود. متوجه شدیم رئیس در حال کمک کردن به ما و حصول اطمینان از جان گروه است. معلوم شد که سه تن از خدمه فوت کرده‌اند.

– و خشن‌ترین دوران زندگی رئیس؟

خشن‌ترین دوران هنگام محاصره بود. محاصره دو سال طول کشید و طی آن در معرض خطرهای واقعی حملات اسرائیلی بودیم که حتی به دفتر رئیس هم رسیده بود. – به نظر شما علت بیماری مبهم عرفات چه بوده است؟ آیا می‌تواند مسمومیت غذایی باشد؟ فرضیه اصلی این است که مسمومیت بوده اما نه از طریق غذا، چون ما با رئیس غذا می‌خوردیم. غذا را قبل از رئیس حدود نیم ساعت تا سه ربع می‌خوردیم. فرضیه غذا بعید است چون ما اجازه نمی‌دادیم رئیس چیزی را به تنهایی بخورد. یک بار یک مهمان خارجی برای او جعبه شکلات آورده بود و آن را باز کرد و به رئیس داد. من سریعاً جعبه را گرفتم و مقابل او میان محافظان توزیع کردم. تمام جعبه‌های شکلات و عسل و دیگر مواد خوراکی را که به عنوان هدیه می‌رسید ما هم می‌خوردیم و میان محافظان توزیع می‌کردیم. – پس مسمومیت از نوع دیگری بوده است؟ به احتمال زیاد مسمومیت از طریق وسیله‌ای غیر از غذا بوده است.

منبع: روزنامه الحیات

### یادداشت

### جنبش‌های تروریستی فراتر از سلول‌های ترور اردشیر زارعی قنوتی

مبارزه علیه تروریسم بین‌المللی و انهدام شبکه تروریستی جنبش بنیادگرای «القاعده» از سال ۲۰۰۱ میلادی و بعد از حملات تروریستی یازدهم سپتامبر به اولویت شماره یک جامعه جهانی تبدیل شد. در همین راستا بحث امنیت ملی و بین‌المللی در راس سیاست داخلی و خارجی قدرت‌های ملی و نهادهای بین‌المللی قرار گرفت و یک رویکرد دوگانه امنیتی – ژئوپولیتیک در جهان مدرن شکل ذهنی و عینی یافت. از یک طرف کلیت جامعه جهانی در مقابل این پدیده وضعیت تدافعی و حذفی به خود گرفت و از طرف دیگر ایالات متحده و کشورهای عضو ناتو با توسل به این موضوع تهاجمات سریالی خود را به حفره‌های ژئوپولیتیک همچون مورد افغانستان و عراق تحقق بخشیدند. در هر دو مورد یک واقعیت وجود داشت که به لحاظ عدم درک در دست از پدیده فوق بسیار گمراه‌کننده دنبال می‌شد و بعضاً به صورت دلخواه با اهداف سیاسی – امنیتی مبتنی بر «تثبیت هژمونی» مورد سوءاستفاده قرار می‌گرفت. تبلور این اندیشه گمراه‌کننده در تصویر امروز افغانستان و تسادوم تهدیدات تروریستی به بهترین شکل ممکن هم‌اکنون خود را اثبات کرده است. بعد از فروپاشی جهان دوقطبی و استفاده ازاری از بنیادگرایی علیه شوروی سابق در بحران افغانستان توسط غرب یک چرخش شکلی و ذاتی در گرایش این پدیده جنایت‌بار ایجاد شد که این بار در «بود» دشمن کمونیستی و کافر، جنگ یک خیر و شر را در «بود» تقابل جنگ بین ادیان و جهان اسلام با جهان مسیحی – یهودی مفهوم می‌بخشید. منازعه فلسطینی – اسرائیلی و حمله به افغانستان و عراق بهانه پیشینی و پسینی لازم را برای جنبش‌های تروریستی اسلام‌گرا جهت آرایش جدید و ترسیم نقشه راه در یک همسویی آشکار با جنبش‌های نوحافظه‌کار غربی برای یک تقابل دامن‌دار مهیا کرد. اصولاً پدیده‌های سیاسی – اجتماعی تا زمانی که در حد و چارچوب گروه‌های منفک و تشکیلات سازمانی موجودیت خود را تعریف می‌کنند با مکانیسم‌های سخت‌افزاری قابل مهار تلقی می‌شوند اما زمانی که این موجودیت به یک جنبش فراسازمانی تبدیل می‌شود، هویت عام پیدا کرده و تنها در درازمدت با شیوه‌های تلقیفی سخت‌افزاری – نرم‌افزاری در قالب مشروعیت و مقبولیت یک برخورد هنجارمند قابلیت مهار خواهند داشت. جنبش تروریستی القاعده در وضعیت کنونی از همین مولفه بهره می‌برد و هم‌اکنون موقعیت یک جنبش فراگیر اجتماعی را پیدا کرده است و به همین دلیل شیوه برخورد حذفی در فاز امنیتی – نظامی برای مهار آن جواب لازم و مطلوب را نمی‌دهد. خوش‌باوری نسبت به حذف فیزیکی رهبران جنبش‌القاوده و سلول‌های تروریستی سازماندهی‌شده آن در اروپا، امریکا، خاورمیانه و دیگر نقاط دنیا هر چند تعبیر «ضربه متقابل» را تا حدودی عینیت می‌بخشید ولی در ادامه وضع موجود مشخص شد این ضربات متقابل راجعل و پایانبخش حیات هیولایی که از درون یک تفکر پارادوکسیکال تولد



جنبی و بقای بلوغی سر بر آورده بود، نبوده است. تازه‌ترسن اظهارنظر در خصوص موقعیت تروریسم القاعده‌ای در هفته گذشته توسط ژنرال «یوید ریچاردز» رئیس ستاد مشترک نیروهای مسلح بریتانیا و فرمانده سابق نیروهای ناتو در افغانستان بیان شده است. این مقام ارشد نظامی که جدا از برخورداری از دانش کلاسیک به لحاظ تجربه میدان نبرد شاید از مطلع‌ترین افراد نسبت به درک واقعی موقعیت القاعده به حساب آید، نیز بسیار بااهمیت و نشان‌دهنده پایان یک توهم پرهزینه تلقی شود. ژنرال بریتانیایی در مصاحبه با هفته‌نامه ساندی تلگراف گفته است: «تنیکه القاعده شکست‌ناپذیر است و بریتانیا باید دست‌کم تا ۳۰ سال دیگر خود را برای مقابله با خطر اسلام‌گرایان آماده کند.» وی می‌افزاید: «پنچنین مأموریتی امکان‌پذیر است و دولت بریتانیا به جای اینکه برای دستیابی به پیروزی قاطع بر پیکارجویان اسلام‌گرا تلاش کند، بهتر است این مأموریت را دنبال کند» ریچاردز ضمن تأکید بر عدم مداخله ارتش بریتانیا در بحران‌های منطقه‌ای جدید در فرایند تغییر تفکر در استراتژی مبارزه با تروریسم می‌گوید: «سلاح واقعی در جنگ با القاعده، آموزش و پرورش و همکاری است.» اظهارات تازه ژنرال ریچاردز دقیقاً در راستای نتایج کمیسیون مستقل شورای روابط خارجی امریکاست که هم‌زمان در رسانه‌های خبری این کشور انتشار یافته است. مشاوران این کمیسیون نیز به پززدیئت «لاراک لویاما» رئیس جمهوری امریکا توصیه کرده‌اند در استراتژی جنگ افغانستان تجدیدنظر کرده و با کاهش نیروهای نظامی به سطح ۱۰ تا ۲۰ هزار نفر، مأموریت ارتش را به اهداف ضدتروریستی محدود کند اظهارات ژنرال ریچاردز و داده‌های کمیسیون مستقل دوحزی امریکایی یک نکته را به روشنی نشان می‌دهد که جنگ با تروریسم بین‌المللی و بنیادگرایی اسلامی هیچ سنخیتی با لشکر کشی، کشورگشایی، بمباردمان‌های جنگی، ایجاد زمین سوخته و شکنجه ندارد و موقعیت میدان نبرد درس‌های آموزنده‌ای در اختیار اتاق‌های فکر و نهادهای مسؤول قرار داده است تا باانتخاب از توهمت ذهنی قبلی به سمت جستن راجعل‌های قابل درک گام بردارند. در طول ۹ سال گذشته ضربات بزرگی به شبکه‌ها و سلول‌های تروریستی از نوع القاعده‌ای در حوزه‌های متنوع ژئوپولیتیک زده شده است اما پس از گذشت این همه مدت و بروز تبعات جانبی این جنگ پرهزینه هم‌اینک مشخص شده‌است القاعده‌با تغییر تاکتیک‌از انسجام سازمانی به پراکنش جنبشی، آنتی تز انهدام و مهار خود را به بهترین شکل ممکن خنثی کرده است. این درست است که روای القاعده در تکرار ۱۱ سپتامبرهای دیگر تا حدودی از بین رفته است ولی کابوس القاعده در رایش و رویش اشکال متنوع‌تر تهدیدات تروریستی همچنان به بقای خود ادامه می‌دهد و به تدریج تجارب عینی برای بروز رفت از بن‌بست کنونی و وداع با نبردهای «مارهای» بی‌سرانجام خواهد ماند.